

رابطه تربیت و جنسیت از دیدگاه روایات

محمد نظیر عرفانی *

سید علی مهدی رضوی **

چکیده

تربیت فرزندان اعم از دختر و پسر دارای اشتراکاتی با یکدیگر است، اما اسلام در رابطه با تربیت فرزندان قائل به تفاوت‌هایی میان تربیت دختران و پسران است که البته این تفاوت‌ها به معنای برتری یکی بر دیگری نیست، بلکه ناشی از تفاوت‌های موجود در ساختارهای جسمی و روحی این دو جنس و همچنین مسئولیت‌ها و نقش‌هایی است که باید در بزرگسالی برعهده گیرند که در این تحقیق ما به بررسی این تفاوت‌های تربیتی پرداخته شده است. ماهیت و اهمیت تربیت فرزند بررسی شده است، و با توجه به اینکه جایگاه و ارزش فرزند دختر در روایات، نسبت به پسر جایگاه خاصی است در این تحقیق تأکید بیشتری به آن با توجه به این مسئله شده است. عوامل موثر در تربیت هم درونی و هم بیرونی مطرح شده است و همچنین انواع تربیت و رابطه تربیت و جنسیت بیان شده است. دیدگاه اسلام و غرب در رابطه با جنسیت و تربیت پرداخته شده است. و اینکه تفاوت در تربیت به منزله تبعیض نمی باشد بلکه با توجه به ویژگی‌های خاص آنها اقتضای این را دارد که دختر و پسر روش تربیتی خاصی داشته باشند. و همچنین موضوع تفاوت‌های دختر و پسر از لحاظ جسمی روحی عقلانی و وظایف متفاوت آنها مطرح شده که علت اصلی در تفاوت تربیت آنها این عوامل می باشد

واژگان کلیدی: تفاوت جنسیتی، تربیت، فرزند، حدیث، تربیت دینی

* دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم (گرایش اجتماعی)، جامعه المصطفی العالمیه: mna8181@yahoo.com

** دانش‌پژوه، کارشناسی ارشد علوم حدیث، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)

مقدمه

زندگی امروزی به گونه ای است که والدین را از انجام مسئولیت های اصلی باز می دارد و به کارهای فرعی سرگرم می سازد. و والدین توجهی خاص به نوع جنسیت فرزند خود ندارد و در نتیجه فرزندان با آداب اسلامی و صحیح تربیت نمی شوند و آشنایی چندانی نیز از نوع صحیح زندگی کردن پیدا نمی کنند. از این رو با ورود اینگونه افراد به جامعه، جرم و فساد رواج می یابد و به یقین، ادامه این روند به زیان جامعه اسلامی خواهد بود.

در این نوشتار به بررسی رابطه تربیت و جنسیت می پردازیم و علاوه بر دیدگاه اسلام و غرب به بحث پیرامون تفاوت های دختر و پسر می پردازیم و تفاوت های جسمانی و روانی و... را بررسی می نماییم.

الف) دیدگاه اسلام و غرب در رابطه با تربیت و جنسیت

وجود تفاوت در بین دو نسل مرد و زن این اندیشه را در ذهن مریبان بیدار کرده است که تربیت با در نظر داشتن اصل تفاوتها باید به پیش رود و به عبارتی تربیت باید دوجنسی باشد. در این زمینه دیدگاه غرب و اسلام همانند نیست.

از نظر غرب: جهان غرب و دانشمندان آنها با اینکه تفاوت بین دو جنس را قائلند، اغلب اجرای نظام تربیتی تقریباً واحدی را برای پسران و دختران پیشنهاد می کنند. برخی از آنان مدعی شده اند که وجود اختلاف در بین زنان و نیز در بین مردان جامعه چنان متغیر و پر دامنه است که حد و مرزی برای آن نمی توان شناخت و بدین خاطر سخن از دو جنسی بودن تربیت بی مورد است.^۱

حتی آنها قائل هستند که تفاوت های جنسیتی، بر تأثیر عناصر فرهنگی و زمینه های اجتماعی بر خودپنداره جنسی افراد تأکید می ورزد و از طریق توجه به انعطاف و تغییرپذیری تفاوت های جنسیتی، تلاش می کند ضرورت برابری فرصت های اجتماعی برای زنان و مردان را اثبات می کند. طبق نگرش آنها جنسیت به سادگی و به طور یکسان تعیین و تثبیت نمی شود، طی جریان پیچیده و در ضمن روابط با گروه ها اشخاص، نهادها، و به خصوص مناسبات خانوادگی و شغلی شکل می گیرد.^۲

از نظر اسلام: به نظر می رسد در تربیت اسلامی نیازی به نفی کلی تفاوت های جنسیتی نیست، همچنین بحث انتزاعی درباره منشأ تفاوت های جنسیتی در رفع مسایل مربوط به تبعیض

^۱ علی قائمی، سازندگی و تربیت دختران، ص ۴۸.

^۲ عبدالعظیم ابوشقه، تحریر المرأة فی عصر الرسالة، ج ۱.

های جنسی کفایت نمی کند، زیرا تفاوت های جنسیتی چه مربوط به ذات و گوهر اصلی انسان باشد چه خارج از ذات به ماهیت، بدن، جامعه یا تعامل محیط و وراثت بازگشت نماید، در هر صورت به طور انکارناپذیری خودنمایی می کند.

از این رو تربیت اسلامی با پذیرش تأثیر شرایط اجتماعی در شکل گیری باورهای جنسیتی و بروز تفاوت های جنسیتی، خواستار تغییرات مطلوب در جهت برقراری عدالت اجتماعی و برابری فرصت های تحصیل معرفت است.

در تربیت اسلامی، به منظور شناخت و یادداری حضور حق و موقعیت ویژه انسانی در محضر او، تلفیق نقش های اجتماعی و وجود شناختی، راهبرد مناسبی است که هم تفاوت های فردی از جمله تفاوت های جنسیتی، را مد نظر قرار می دهد و هم از طریق سرایت علایق وجود شناختی به موقعیت های واقعی زندگی و ایجاد تلاطم میان نقش وجود شناختی یادگیرندگان با نقش اجتماعی، اعم از نقش های اجتماعی وابسته به جنس آنها، تثبیت توحید را در متن حیات دنیوی و زندگی اجتماعی یادگیرندگان ممکن می سازد. طرز فکر و عمل اسلامی این است که تربیت باید دوجنسی باشد تا زن برای همیشه زن بماند و مرد برای همیشه مرد، و هریک از این دو جنس بهره خود را از زندگی به طور کامل و در حد ساخت جسمی و روانی خود بگیرند.^۱

از این حدیث نبوی، خوب می توان استنباط کرد که می فرماید: ((لَعَنَ اللَّهُ وَ أَمَّتِ الْمَلَائِكَةُ عَلَى رَجُلٍ تَأْتَتْ وَ أَمْرًا تَذَكَّرْتُ))؛ (خدای و فرشتگان مورد لعنت قرار می دهند مردی را که ادای حیات زنانه را در می آورد و زن صفت می شود، و زنی را که ادای حیات مردانه را درآورده، مرد صفت می شود).^۲

ب) تفاوت در جنسیت، تفاوت در تربیت نه تبعیض

ذکر این نکته ضروری است که این دوگانگی در تربیت دلیل بر امتیاز یکی بر دیگری و یا کوچک شمردن یکی در برابر دیگری نیست. ما نمی خواهیم که از این طریق پسران را ممتازتر از دختران بپروورانیم و یا بی حساب برای دختر ارزش و ارجی بیشتر از پسر قائل شویم.

وجود تفاوت در تربیت را نمی خواهیم که سبب تبعیض گردد. زیرا اسلام در وجود خود مخالفت با تبعیض را می پروراند. ریشه پیش داوری های درباره زنان را می خشکاند و بر پای عملکرد

^۱ علی قائمی، تربیت و سازندگی دختران، ص ۴۹.

^۲ علاءالدین علی بن حسام الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۷۶.

برخی از مردم بنام مسلمان در تنگ نظری ها و اعمال تعصب های جاهلی و قومی درباره زنان را امضا نمی کند بلکه برعکس با تبعیض به همه اشکال و صورش مبارزه دارد. اسلام بر خلاف عده ای که سرشت زن را غیر از سرشت مرد می دانند فرمود: (ما زنان را از جنس مردان آفریده ایم)^۱

اسلام قائل است که برتری و کرامت انسان در جنسیت او نیست بلکه در گرو تقوا و عمل کردن به فرامین الهی می باشد که در قرآن داریم: ((إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُ))^۲ تفاوت در تربیت این است که رعایت شئوون و مقتضیات این دو جنس بر اساس آفرینش و نظام صورت گیرد.

همچنین این نکته قابل ذکر است که دوگانگی در تربیت سبب تابعیت یکی بر دیگری نخواهد بود. در نظام اجتماعی اسلام اولاً در رابطه با آفریدگار همه تابعند حتی اولیاء الله و پیامبران و از این دید کسی را به عنوان فوق قانون یا مصون از قانون نمی شناسیم. ثانياً در رابطه با یکدیگر همگان هم تابعند و هم متبوع. حتی در امر حکومت اسلامی، روابط متقابل مردم با هیئت زمامدار همین امر را نشان می دهد که در مواردی مردم تابع حکومتند و در مواردی دیگر هم حکومت تابع مردم.

تربیت دو جنسی از نظر ما نه برای زن تابعیت آور است نه برای مرد. هیچکدام تابع مطلق آن دیگری نخواهند شد. در آنچه که مربوط به امور داخل خانه است مرد تابع زن است و آنچه که مربوط به امور بیرون است زن تابع مرد و البته هرکدام از این دو امر کلی حدود و ضوابطی دارند که در جای دیگری باید مورد بحث قرار گیرند.^۳

زندگی فردی و اجتماعی مستلزم انجام کارها و تلاشهای متعدد است که هرکدام در جای خود لازم و ضروری هستند، زندگی خانوادگی موجب پدید آمدن کارها و مشاغلی در جنبه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، انضباطی، پرورش فرزند، تغذیه و اداره او، سر و سامان دادن به امور خانه، تهیه غذا و لباس، مدیریت و نظافت خانه، حفظ و رعایت بهداشت و از این قبیل است. در اینجا تقسیم کار لازم است که چگونه این کارها را طبق امکانات، استعدادها و مقتضیات فطری و تمایلات و رغبت های هرکدام در نظر بگیریم.

^۱. سوره نساء / ۱

^۲. حجرات / ۱۳

^۳. علی قائمی، اسلام و تربیت دختران، ص ۴۳

پس از اینکه این تقسیم کار صورت گرفت باید هر یک از زن و مرد را برای انجام این وظایف ساخت و آماده کرد و تربیت عهده دار این وظیفه است. در اینجا به این نتیجه می‌رسیم که تفاوت در تربیت به منزله تبعیض بین دو جنسیت نیست، بلکه در اسلام هر دو جایگاه مساوی دارند و ملاک و برتری ربطی به جنسیت ندارد.

ج) راز تفاوت های دختر و پسر در تربیت

بنابراین مفاهیم دینی و میانی جدید علمی در دانش روان شناسی بین زن و مرد اختلاف های رفتاری، روانی، جسمی وجود دارد که به هیچ عنوان قابل انکار نبوده و امری مسلم است. بستر عواطف و هیجانات زنان با مردان متفاوت است، نوع برخورد آنان با شکست ها و پیروزی ها و تمایلات روحی و روانی و حتی شیوه های کاربرد عقل و احساسات و ادراکات در این دو پیکر جامعه بشری کاملا متفاوت است. برای اینکه بخواهیم به تربیت دختر و پسر به طور تخصصی بپردازیم در ابتدا باید با تفاوت های موجود بین دختر و پسر، چه از لحاظ جسمی، روحی و روانی و ... آشنا بشویم. اینکه چرا اسلام بر دو جنسی بودن تربیت تأکید می کند، دلایل قابل دفاعی وجود دارند.

در راستای تفاوت بین دختر و پسر از سخنان گهربار حضرت علی (ع) و بهره می‌جوییم. حضرت امیر (ع) در نامه ای به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: ((وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيْحَانَةٌ، وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ)) (کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار، که زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت کوش).^۱

این سخن اشاره است ظریف و لطیف که با توجه به روحیات زنان، توانایی های آنها و تفاوت های موجود بین زن و مرد بیان شده است. زیرا تحمیل عملی که خارج از توان طبیعی زن باشد او را افسرده می کند و سبب ایجاد اضطراب و آسیب های روانی دیگری می گردد. چه در روایت فوق بار سنگین معنوی و روانی در نظر باشد چه بار سنگین مادی. فیزیولوژیست ها در مورد تفاوت در قدرت عضلانی زن و مرد می‌نویسند:

«قدرت عضلانی زن و مرد به گونه ای متفاوت است که کارکرد بدن آنها را متفاوت می کند. تستوسترون (هورمون ویژه جنس نر) اثر سازنده پر قدرتی در تولید پروتئین در سراسر بدن وارد و رشد بافت های عضلانی را تحریک می کند و بر قدرت بدنی مرد می افزاید. از این رو توده

^۱ نهج البلاغه، نامه ۳۱

عضلانی بدن مرد به طور متوسط ۵۰ درصد بیشتر از بدن زن است و برای انجام کارهای سنگین توانایی بیشتری می یابد.^۱

و نیز معتقدند که چون لگن مرد شکل قیفی دارد برای تحمل بارهای سنگین آمادگی بیشتری دارد.^۲

اگردختران اهداف ویژه پسرانه را برای خود در نظر بگیرند و با همان قدرتی که پسران در امور اجتماعی وارد عمل می شوند به کار پردازند - همانگونه که در تحقیق ۲۵ ساله ۱۰۰ کشور جهان آمده است و ما در بحث افسردگی به آن خواهیم پرداخت - دچار اضطراب خواهند شد و اختلالات روانی شدید بر آنها عارض می شود. از این رو تأکید این باور با توجه به شناختی که نظریه پردازان دینی و پیشوایان ما به زوایای روحی و روانی و توانایی افراد دارند بر این است که زنان بر حسب توان و نیروی خود هدفی را برگزیده و به کار پردازند و آنچه که پیش از این بیان شد زیباترین جلوه روان شناختی است که در نگره های حضرت مشاهده می شود.^۳

با توجه به مقدمه فوق به بررسی تفاوت های دختر و پسر در ابعاد گوناگون پی می گیریم که با توجه به این تفاوت ها به این نتیجه می رسیم که در تربیت آنها و شیوه برخورد با آنها باید متفاوت عمل کرد و با روش های مختلف پردازیم.

۱- تفاوت های جسمی

تفاوت های جسمی پسر و دختر اگرچه زیاد مورد بحث ما نمی باشد ولی به علت رابطه تنگاتنگ جسم و روان به گونه ای مختصر از بعضی تفاوت ها سخن می گوئیم. پسر به طور متوسط درشت اندام و دختر کوچک اندام است. پسر بلندتر و دختر کوتاه تر است. پسر خشن تر است و دختر ظریف تر و صدای پسر کلفت تر و خشن تر است و صدای دختر نازک تر و لطیف تر. به عبارت دیگر پسران از سه سطح تقابلی زیر و بمی آهنگی برخوردار هستند، در حالی که دختران دارای چهار سطح هستند.^۴ رشد بدنی دختر سریع تر و رشد بدنی پسر کندتر است. حتی گفته می شود جنین دختر از جنین پسر سریع تر رشد می کند. مقاومت دختر در مقابل بسیاری از بیماری ها از مقاومت پسر بیشتر است. بنابر نظریه فیزیولوژیست ها میزان کلسترول (LDL) در خون پسر بیشتر از دختر است. و این مقدار کلسترول در مقدار چربی موجود در

^۱ آرتور گاتیبون و جان هال، فیزیولوژی پزشکی، ج ۲، ص ۱۵۰۳

^۲ همان، ج ۳، ص ۱۵۵۱

^۳ مریم معین الاسلام، ناهید، طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه، ص ۶۳

^۴ علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد بزرگسالان در فراختای زندگی، ص ۲۵

گردش خون و نیز رسوب پلاک های آنزواسلکروزی اثر زیادی دارد و به همین جهت بیماری های قلبی و سکتته مغزی در پسران بیش تر از دختران است.^۱

گفتنی است که تغییرات جسمی تأثیر بسزایی در روح فرد دارد و از این گذر توجه به تفاوت های جسمی برای روان شناسی تفاوت های روانی امری ضروری است. پروفیسور استارلینگ می نویسد: «سلول های تناسلی به هنگام بلوغ نه تنها تخم و نطفه تولید می کنند بلکه هورمون هایی نیز می سازند که داخل خون می شود و موجب تغییرات جسمی و روانی می گردد، در این سن نه تنها جسم نیروی تازه ای می گیرد، بلکه روح اخلاق نیز به هزاران نوع متأثر می شود»^۲

تفاوت های جسمی میان نوزاد پسر و دختر به غیر از تفاوت در آلت تناسلی را می توان در موارد زیر مشاهده کرد:

- هنگام تولد پسران کمی بلندتر و سنگین تر از دختران هستند.
- استخوان بندی دختران رشد یافته تر از پسران است. استخوان بندی پسران در حدود ۶ هفتگی تازه به اندازه دختران به هنگام تولد رشد می یابد.
- پسران در رشد حرکتی کندتر از دختران هستند یعنی دیرتر از دخترها می نشینند، می خندند و راه می روند.^۳
- تارهای صوتی پسران، کلفت و ضخیم تر از دختران است و این نکته باعث ظرافت کلامی در زنان شده است. زنان نازک تر و لطیف تر از مردان سخن می گویند. در روایات می خوانیم که حضرت آدم (ع) پس از مشاهده حوا و شنیدن صدای نازک و ظریف او می گوید: «ما احسن خلقتك»^۴
- این سخنان نمایانگر کشش خاصی است که توسط تفاوت های جسمی از نظر طبیعی بین زن و مرد ایجاد می شود. در روایات، با استفاده از الفاظی همچون ضعیفات القوی، گل لطیف، ریحانه و نیز با تحریک به مدارا و واگذار نکردن مسئولیت های سنگین جسمی به زنان، تفاوت های جسمی زن و مرد، مورد اشاره قرار گرفته است. بطور نمونه امام رضا (علیه السلام) می فرماید: (دلیل پذیرفته نشدن شهادت زنان درباره رویت هلال ضعف آنان نسبت به رویت است).^۵

^۱. آرتور گاتیون، فیزیولوژی بدن انسان، ج ۱، ص ۴۹۸

^۲. مریم معین الاسلام، ناهید، طبیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه، ص ۶۷

^۳. جینا لمبروز، ترجمه پری، حسام شهرتیس، برگرفته از روان شناسی زنان، ص ۲۷

^۴. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۳

^۵. ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۱۵۱

- خون پسران غلیظ تر از دختران بوده و ۲۰٪ گلبول قرمز بیشتری دارند به عبارت دیگر محدوده طبیعی گلبول های قرمز در پسران که به طور متوسط ۵/۴ و در دختران ۴/۸ میلیون در هر میکرولیتر است.^۱ از این رو اکسیژن بیشتر کسب کرده و نیروی بیشتری نیز دارند و نفسهای آنها عمیق تر از دختران است.

- استخوان بندی پسران محکم تر از دختران است. اگرچه همان گونه که پیش از این گفتیم استخوان بندی دختران در دوره جنینی و حتی بعد از آن رشد یافته تر از پسران است اما از استحکام کمتری برخوردار است.

- دختران یک لایه چربی زیرپوست خود دارند که در زمستان آن ها را گرم نگه می دارد و در تابستان مانع از نفوذ بیش از حد گرما در بدن آن ها می شود و با وجود این لایه چربی کمتر احساس گرما می کنند. این لایه اضافی چربی باعث ذخیره انرژی در دختران شده و استقامت آن ها را نسبت به پسران بیش تر می کنند.

- دختران در ادراک شنوایی توان بالایی دارند به گونه ای که از ۱۰۰ محرکه صوتی تمام آن ها را می شنوند.^۲

- حس بینایی پسران از دختران بهتر است.^۳

- حس تشخیص طعم غذا در دختران ظریف تر از پسران است.^۴

- در زمینه حرکتی، پسران به جز از نظر مهارت یدی، بدتر از دختران هستند و زمان واکنش آنها نسبت به دختران کوتاه تر است.^۵

- از نظر حس لامسه چنان که پیش از این بیان شد پوست دختران از پسران لطیف تر بوده و نسبت به لمس و درد حساسیت بیشتری دارند. بافت روپوست دختران نازکتر از پسران است. از این رو نسبت به ضربه ها و فرورفتگی و برآمدگی های سطحی مقاومت کمتری از خود نشان می دهند.^۶

^۱ محمد رضا اسدی، بیماری های خون و سرطان، اصول طب داخلی هارسپون، ص ۱۷

^۲ محمد مجد، روان شناسی زن و مرد، ص ۵۱.

^۳ بنوات گری، ترجمه محمد جعفر، پوینده، زنان از دید مرد، ص ۶۹

^۴ محمد مجد، روان شناسی زن و مرد، ص ۵۵

^۵ محمد حسین سروری، روان شناسی اختلافی زن و مرد، ص ۶۸

^۶ مریم معین الاسلام، ناهید، طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه ص ۷۱

۲- تفاوت های جنسی

دختر و پسر از نظر جنسی دارای تفاوت های غیرقابل انکار و پذیرفته شده ای هستند و غده تناسلی در پسر که باعث تولید هورمون جنسی مردانه (تسوسترون) می شود، بیضه است و در دختر تخمدان ها مولد هورمون های جنسی زنانه (استروژن و پروژسترون) هستند. وجود این هورمون های زنانه و مردانه موجب تمایز در صفات جنسی دختر و پسر، تفاوت در قدرت عضلانی و ترکیب استخوان ها و حالات مختلف روانی و ... می شود.^۱

تفاوت های رفتار جنسی و نقش جنسی از هنگام تولد شروع می شود. هرچه کودک بیشتر رشد می کند، بر این تفاوت ها نیز افزوده می شود تا آن که در زمان بلوغ به بیشترین حد خود می رسد و دو جنس دختر و پسر را کاملاً از یکدیگر متمایز می سازد. منظور از «نقش جنسی» ویژگی ها و وظایف است که فرهنگ، جامعه، بزرگسالان و طبیعتی زیستی از هریک از دو جنس مرد یا زن انتظار دارد.^۲

امام صادق می فرماید: (خداوند تبارک و تعالی برای زن، صبری معادل صبر ده مرد قرار داده است، و آن گاه که حمل بردارد، قدرت ده مرد دیگر را نیز به وی می دهد).^۳

اسلام با در نظر گرفتن این تفاوت ها در رفتارهای جنسی یکی از حقوق مسلم مرد بر زن را تمکین و برآوردن نیاز جنسی مرد در سریع ترین فرصت می داند و پیامبر (ص) با عبارت ((ان تجبیه الی حاجته و ان کانت علی ظهر قتب)) (هرگاه (از نظر غریزه جنسی) به او نیاز پیدا کرد، او را اجابت نماید).^۴ در پاسخ به کسی که از حق مرد بر زن می پرسد، در واقع به نیاز فوری مرد در مسایل جنسی اشاره می فرماید.

۳- تفاوت های روانی زن و مرد

۳-۱- تفاوت های عاطفی

از نظر روانی، احساسات دختر جوشان تر از پسر است و دختران هیجانی تر از پسرها هستند. دختران محتاط تر، مذهبی تر، پر حرف تر، و ترسو تر و تشریفاتی تر از پسران هستند.^۵

^۱ کتاب نقد فمینیسم، شماره ۱۷، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱ - ۲۵۱

^۲ همان، ص ۲۲۶

^۳ محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۱.

^۴ محمد بن حسن حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲ ص ۱۵۸

^۵ آنکو بوریس، ترجمه منیژه، بهزاد، جلوه های زندگی یک زن، ص ۱۶۳-۱۶۲

دختران به ارتباط های عاطفی علاقه نشان می دهند و احساس محبت در دختران بیش از پسران است.^۱

دختران در علوم استدلالی و مسایل مشکل عقلانی به پای پسران نمی رسند ولی در ادبیات، نقاشی و سایر مسایلی که با ذوق و احساسات مربوط است دست کمی از پسران ندارند. قدرت کتمان پسران بیش تر از دختران است. احساسات دختر صلح جویانه و بزمی و احساسات پسر مبارزانه و جنگی است.

جیز المبروز^۲ می گوید: «زنان به سوی آموزنده (غیر انتزاعی) و سودمند تمایل دارند و زنان دیگر خواه هستند و از تصور این که زحمت آن ها موجب راحتی دیگران است خرسند شده و به هر رنجی تن می دهند. ولی مرد قیدی به مفید بودن اعمال خود برای دیگران نداشته و تنها منظورش آن است که خرسندی خاطر خویش را فراهم سازد.^۳

گفتنی است که صفات ذکر شده توسط خانم لمبروزو به صورت مطلق و برای همه پسران و دختران صادق نیست بلکه صفت غالبی دختران و پسران چنین است از این رو اگر در هر زمانی استثنایی به وجود آمد از موارد نقض این قضایا نبوده و جزء غیر غالب ها محسوب می شوند. دختر در مورد اموری که علاقه مند به آنهاست و یا موجب ترس او می شوند زودتر و سریع تر تحت تأثیر احساسات خویش قرار می گیرد. در واقع منشأ رفتارهای دختران احساسات و عواطف آن هاست.^۴

از دیدگاه روان شناسان و متخصصان فن، دختران در تحمل مسئولیت های سنگین و بارهای ثقیل و طاقت فرسا نسبت به پسران متفاوت بوده و آثار روانی تحمیل مسئولیت های بیش از حد توان دختران در جسم و روح آن ها کاملاً مشهود است.

جان گری^۵ می گوید: « زنان چون دارای دید بسیار باز و گسترده هستند و احتیاجات دیگران آن ها را خیلی زود کلافه می کند. زنان در آن واحد حواس خود را به چندین موضوع و مشکل معطوف می دارند و یکی از عوامل که باعث کلافه شدن زنان می شود این است که خیلی سریع توانایی خود را در تعیین اولویت امور از دست می دهند و نمی دانند کدام یک از مسایل را زودتر

^۱ جان گری، ترجمه فرشته، صالحی، روش های پیشرفته روابط زناشویی، ص ۲۴

^۲ روان شناس معروف ایتالیایی

^۳ جینا لمبروزو، ترجمه پری، حسام شهرتیس، روان شناسی زن، ص ۵-۸

^۴ مریم معین الاسلام، ناهید طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه، ص ۸۱

^۵ محقق بزرگ انگلیسی، نویسنده کتاب زنان ونوسی و مردان مریخی

بررسی کنند... این حالت سبب می شود که زودتر از مردان مشوش و آشفته شود و در یک لحظه احساس می کنند توانایی انجام هیچ کاری را ندارند»^۱

ولی مردان به علت هوشیاری و درایت مرکزی مهم تر از زنان بوده و کارایی مثبت تری در انجام تکالیف سنگینی که به عهده دارند خواهند داشت. بسیاری از روان شناسان علت افسردگی در زنان را تحمیل و ظایف و انتخاب اهدافی بیش از حد توان آنها و یا کمتر از توانش آنان ذکر کرده اند. از این رو حضرت علی (ع) به پیروان خویش در قالب نامه ای به امام حسن (ع) توصیه می فرماید که بر زنان بیش از توان آنها بارهای سنگین روحی و روانی حمل نکنید که آنها موجوداتی لطیف بوده و محتاج به مراقبت هستند.^۲

جینا لمبروز، روان شناسی غربی می گوید: «آن چه زن را به اتخاذ مهمترین تصمیمات خود بر می انگیزد احساسات قلبی اوست نه مقدمات عقلی ... در عالم انفعالات که ظاهراً عالمی مرموز است زن می تواند سیر و گردش نموده و به خوبی در آن عالم نفوذ کند حال آن که مرد فقط در عالم منافع سیر می نماید.»^۳

شناخت دنیای احساسات و عواطف دختران و محدوده تأثیر آن بر دنیای بیرون نخستین گام به سوی شناخت واقعی دختر و روان شناسی ختران است.

حضرت امیر (ع) با شناخت عمیق و آگاهی نسبت به این دنیای مرموز و ناشناخته خطاب به لشگری که آماده روبرو شدن با دشمن، در صفین بودند فرمود:

((ولا تهيجوا النساء بأذى، و إن شتمن أعراضكم، وسببن أمراءكم، فإنهن ضعيفات القوى و الألفس والعقول، إن كنا لنومر بالكف عنهن و إنهن لمشركات، و إن كان الرجل ليتناول المرأة في الجاهلية بالفهر أو الهراوة فيعير بها و عقبه من بعده.))

(زنان را با آزار دادن تحریک نکنید، هرچند آبروی شما را بریزند، یا امیران شما را دشنام دهند، که آنان در نیروی بدنی و روانی و اندیشه کم توانند، در روزگاری که زنان مشرک بودند مأمور بودیم دست از آزارشان برداریم، و در جاهلیت اگر مردی با سنگ یا چوب دستی به زنی حمله می کرد، او و فرزندانش را سرزنش می کردند))^۴

^۱. مریم معین الاسلام، ناهید، طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه، ص ۸۱

^۲. همان، ص ۸۲

^۳. جینا لمبروز، ترجمه پری، حسام شهرتیس، روح زن، ص ۱۹-۲۰، ج ۱

^۴. نهج البلاغه، نامه ۱۴

به عبارت دیگر حضرت در این سخنان اشاره به کم بودن نیروی تحمل زنان در مواجهه با دشمن کرده و می فرماید آن ها زودتر از مردان تحت تأثیر احساسات خود واقع شده و به هیجان می آیند و تصمیمات آنها و رفتارهایشان بر اساس عواطف و احساسات آن هاست که غلبه بر عقل و اندیشه دختران دارد.

۳-۲- تفاوت در برخورد با تنش ها

یکی از مسایل مهم در رابطه با زندگی فردی و اجتماعی افراد، چگونگی برخورد آنها هنگام مقابله با سختی ها و تنش هاست. در زندگی با توجه به گستردگی روابط انسانی و تفاوت های فردی ناگزیر شاهد بروز حالت های غیرطبیعی و تنش زا هستیم که با تنش زدایی افراد اندیشمند و آگاه برطرف می گردد.

تفاوت دختر و پسر در مواجهه با این حالات یکی از مباحث جالب روان شناسی و جامعه شناسی است که با در نظر گرفتن این تفاوت ها می توان به حل مشکلات ناشی از آن پرداخت. روان شناسان می گویند: «زمانی که پسر و مرد تحت فشار و تنش است تعداد مراکز توجه او افزایش می یابد و حتی نسبت به سایرین بی اعتنا می شود. این حالت مردان باعث می شود که ظاهراً آن ها را خودخواه و بی مبالا نشان دهند. اما دختران و زنان در مواقع تنش هوشیار می شوند و در مورد آن هایی که دوست دارند هوشیارتر به نظر می رسند.^۱

ما با مشاهده برخوردهای دختران در هر سطح و از هر نژاد که باشند می بینیم که حتی در اوج مشکلات و مصایب و سختی ها هرگز از وظایف تربیتی خویش غافل نمی شوند. در سختی و تنش ها دید آنها گسترده تر می شود و بیش از پیش به تحلیل مسایل می پردازند. در واقع پسران احساس غمگینی عمیقی دارند و تفاوت عمده آنها با دختران در غم و شادی، کیفیت نمود آن است. به عبارتی دختران غم و شادی خود را بیش تر می نمایانند ولی در پسران کمتر نمود دارد.^۲

دختران بیش تر از پسران افسرده می شوند ولی این افسردگی سطحی است در حالی که افسردگی پسران عمقی است و سریعتر رو به افسردگی می گذارند.

^۱ جان گری، ترجمه ابوالفضل حاج حسینی، روابط زنان و مردان، ص ۷۴-۷۳

^۲ مریم معین الاسلام، ناهید، طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه، ص ۸۶

پسران در مواجهه با تنش‌ها برخوردهایی مثل کناره‌گیری از جامعه، سکوت و غرغر کردن را از خود نشان می‌دهند و دختران در این حالات واماندگی خاصی از خود نشان می‌دهند و کلافه شده و دچار خشم شدید می‌شوند و از کوره در می‌روند.

برخی از روان‌شناسان امروزه در مورد تفاوت دختر و پسر در این مورد می‌نویسند: دختران در این مواقع نیاز به بیان احساسات دارند و اگر نتوانند احساسات خود را ابراز کنند کلافه می‌شوند و واکنش‌های زیادی را از خود نشان می‌دهند و افسرده و فرسوده می‌شوند و دختران در این حالت نیاز به توجه و احترام داشته و می‌خواهند که احساساتشان درک شود.^۱

نیاز حقیقی دختر در مواقع سختی‌ها و تنش‌ها، محبت و عشق است نه موعظه و امر و نهی. در حالی که پسران در چنین حالات بحرانی نیاز به فرصت برای بررسی و سنجش عمل خویش دارند. آنها در پی یافتن نقطه کور در کارهای ناموفق خود هستند و تا زمانی که راه حلی برای رفع مشکلات پیدا نکنند و علت شکست و ناکامی خویش را نیابند آرامش نخواهند یافت، بدیهی است که با توجه به تفاوت نیازهای افراد و تفاوت رفتارها هریک از دختر و پسر باید برخوردی متناسب با نیاز طرف مقابل انجام دهد و خانواده‌ها رفتاری متناسب را مورد عمل قرار بدهند، و این برخورد و رفتار صورت نمی‌گیرد مگر در سایه شناخت تفاوت‌ها و نیازها. تفاوت در رشد اخلاقی دختر و پسر که در نوع برخورد با تنش‌ها تأثیر بسزایی دارد یکی از مباحث مهم می‌باشد. اندیشه اخلاقی دختران به طور عمده به روابط فردی توجه دارد و با احساس مسئولیت نسبت به دیگران همراه است و جنبه از خودگذشتگی دارد و این تفاوت اخلاقی همواره باید مورد نظر قرار بگیرد.^۲

۳-۳- تفاوت در نیازها

یکی از نیازهای مشترک دختر و پسر عشق و محبت است که بسیار اهمیت داشته و در دختر و پسر به طور مساوی وجود دارد اما دختران و پسران در کیفیت ابراز عشق و محبت تفاوت‌هایی دارند که به نیازهای متفاوت آن‌ها مربوط می‌شود. نیازهای متفاوت دختر و پسر عبارت است از: - پسران نیاز دارند که مورد اعتماد قرار گیرند و در مقابل دختران بیش‌تر نیازمند به مراقبت و برای انجام کارها و تصمیم‌گیری‌ها خود احتیاج به حمایت دارند.

^۱ همان، ص ۸۷

^۲ محمد مجد، کتاب نقد (ویژه فمینیسم) شماره ۱۷، ص ۲۳۵.

- دختران نیازمند به درک احساسات درونی شان هستند. دوست دارند که به سخنان آن ها گوش داده شود و آن ها را درک کنند و پسرها به پذیرش از سوی خانواده و طرف مقابل نیاز دارند. در واقع پسران برای این که اعتماد به نفس پیدا کرده و مردانه به تدبیر امور بپردازند، نیازمند به پذیرش هستند.

- پسران نیازمند ستایش و همواره در انتظار واژه هایی هستند که در آن ها به نوعی قدردانی و سپاس گذاری شده باشد و متقابلاً دختران به احترام نیازمند هستند. آنها دوست دارند که مورد احترام دیگران قرار گیرند و به سخن و سلیقه و رفتار آنان احترام گذاشته شود. عدم شناخت تفاوت در نیازها از دیرزمان موجب بحران های خانوادگی و اجتماعی می شده است. بنابراین برای ممانعت از بحران ها و مشکلات فراوان در زندگی باید نیازهای متفاوت دختر و پسر را شناخته و به ارضاء آن ها بپردازیم.^۱

توجه عمیق دین اسلام به محبت نسبت به دختران در واقع برای برآورده کردن نیاز شدید دختر و زن به محبت است و ما در کلام معصومان (ع) مطالب زیادی در این مورد می بینیم. آن جا که حضرت علی (ع) می فرماید: ((من اخلاق الانبیاء حب النساء))^۲ (محبت نسبت به زنان از اخلاق پیامبران است).

در واقع حضرت علی (ع) با ذکر این عبارت توجه به زن و ابراز محبت و عشق نسبت به او را برای دیگران ارزشمند جلوه می دهد تا افراد دیگر با الگوگیری از پیامبران در برخوردهای خود محبت به دختر و زن را سرلوحه زندگی قرار داده و به این وسیله این نیاز طبیعی دختران و زنان برآورده شود.

بنابراین شناخت نیازها و درک و پذیرش تفاوت های موجود در نیازهای دختر و پسر و احترام به نیازهای یکدیگر و بیان کردن احساسات و نیازهای عاطفی از طرف دختر و پسر بهترین اقدام برای استحکام بنای مقدس خانواده و حفظ آن است و در سایه شناخت نیازها و تفاوت های دختر و پسر بهترین اقدام برای استحکام بنای مقدس خانواده و حفظ آن است و در سایه شناخت نیازها و تفاوت های دختر و پسر در نیازهاست که رفتارهای ارائه شده، منطقی و صحیح خواهند بود و جامعه و افراد آن از ابتلاء به اختلالات روانی در امان خواهند ماند.^۳

^۱. مریم معین الاسلام، ناهید، طیبی، روان شناسی زن در نهج البلاغه، ص ۸۹

^۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۹، ج ۱۴

^۳. بورس، آنکو، ترجمه منیژه، بهزاد، جلوه های زندگی یک زن، ص ۱۷۰

۴- تفاوت های عقلی

۴-۱. تفاوت در عقل عملی و نظری

یکی از تفاوت های غیر قابل انکار بین دختر و پسر تفاوت از حیث قوای دماغی، عقلانی و عاطفی است. پسران از نظر عقل تجریدی و به عبارت دیگر عقل نظری از دختران قوی تر بوده و دختران از نظر عقل عملی بر پسران غلبه دارند. یعنی عقل تئوریک و تحلیل گر و فرضیه باف و عقل سیاسی - اجتماعی در پسران دامنه گسترده تری نسبت به دختران دارد و این برتری به علت وظیفه طبیعی مردان که تشخیص طبیعت و مبارزه با مشکلات اجتماعی برای ایجاد رفاه خانوادگی است در پسران وجود دارد.

لازم به ذکر است که اگرچه دنیای عقلی و شهودی با یکدیگر تفاوت دارند اما هیچ یک از موارد معیاری برای ارزشگذاری افراد نبوده و تنها وسیله ای برای جداکردن راه های رسیدن به کمال نفسانی است که این کمال نیز برای دختر و پسر مساوی است.^۱

از آن جا که در قرآن کریم و روایات، آنچه مایه کرامت و بزرگواری انسان می شود تقوا و پرهیزکاری است و به عبارت دیگر ملاک ارزش گذاری بر افراد میزان تقوای آنان است ((انَّ اکرمکم عند الله اتقیکم)) و از طرفی تقوا، عملی بوده و در اثر عمل صالح، رشد یافته و در وجود افراد نهادینه می شود و آنگونه که پیش از این گفتیم دختران در عقل عملی نه تنها ضعیف تر از پسران نیستند بلکه مساوی و در برخی امور برتر از پسران هستند از این رو ضعف در عقل تجریدی و نظری هیچ گونه آسیبی در صعود به قله کمال از ناحیه دختران وارد نمی کند.

۴-۲. تفاوت دختر و پسر در تصمیم گیری

آنگونه که بیان شد دختران و پسران در نوع هوشیاری متفاوت هستند. پسران، هوشیاری با دید متمرکز دارند و دختران هوشیاری با حواس و دید باز. همین مسئله در نوع قضاوت پسر و دختر تأثیر می گذارد. پسران در صدور رأی تمام جوانب را می بینند اما دختران به اشد مجازات فکر می کنند زیرا همان گونه که در ابراز محبت سریع هستند در اعمال خشم هم شدید هستند. دختران از هر ۱۰۰ محرکه، ۹۰ محرکه را درک می کند و ذهن آنها معمولاً شلوغ تر از پسران است از این رو در تصمیم گیری ها با هم متفاوت هستند.^۲

^۱. مریم معین الاسلام، ناهید طیبی، روان شناس زن در نهج البلاغه، ص ۹۵

^۲. محمد مجد، روان شناسی زن و مرد، ص ۱۰۱

نکته مهم و قابل توجه دیگر این که دختران همیشه خواهان برقراری ارتباط هستند از این رو تمایل به شرکت دادن دیگران در تصمیم گیری های خود دارند و چون سلیقه های افراد گوناگون است، روند انتخاب و تصمیم گیری دختران نسبت به پسران که محور تصمیم گیری های آنها خودشان و قدرت تعقل آن هاست کندتر خواهد بود.

روان شناسان می گویند: مردان در ابتدا خودشان تصمیم می گیرند و بعد آماده هستند که بر مبنای اطلاعات دیگران تصمیم خویش را تغییر دهند.

بارها در زندگی نزدیکان و دوستان خود دیده ایم که مردان و پسران بدون در نظر گرفتن نظرهای دیگر افراد خانواده تصمیم به انجام کار می گیرند و آنگاه که در مقام مشورت بر می آیند در صورتی که با دلیل منطقی و عقلانی برای ترک و یا انجام آن کار برخورد کردند تصمیم خود را عوض می کنند. در اینجا نتیجه عمل مورد نظر ما نیست بلکه نوع تصمیم گیری و راه ها و شیوه هایی که دختر و پسر از آنها استفاده می کنند برای اتخاذ یک تصمیم مهم است.

جان گری روانشناس مشهور می گوید: «مرد ابتدا هدف را پیدا می کند بعد حرف می زند و زن حرف می زند و بعد هدف را پیدا می کند.»^۱

در واقع می توان گفت دختران و زنان با ایجاد هماهنگی و توازن بین نظرهای دیگران و در نظر گرفتن کلیه سلیقه ها و خواسته های افراد خانواده تصمیم می گیرند و سعی می کنند در تصمیم گیری های خود نظر همه تا حدی تأمین شود و در این صورت با مقاومت روانی هیچ یک از افراد مواجه نشوند.

۴-۳. تفاوت دختر و پسر از نظر توانایی های شناختی

توانایی های شناختی را می توان در سه نوع کلام، فضایی و ریاضیات مورد بررسی قرار داد. یافته های علمی نشان می دهد که دختر و پسر در هر سه قسم دارای تفاوت های محسوسی هستند. به طور کلی آزمون های هوش و استعداد به دو صورت انجام می شود: آزمون های کلامی و غیر کلامی.

آزمون های کلامی توانایی افراد را در زبان گفتاری و نوشتاری اندازه می گیرند که در واقع بیشتر درک کلام مورد نظر است نه طرز بیان مثل حافظه عددی، کلمات متشابه و متضاد و معانی لغات ولی در آزمون های غیر کلامی توانایی های افراد را در انجام دادن برخی از کارهای علمی اندازه می گیرند مانند تکمیل تصاویر، تنظیم تصاویر، سوار کردن ابزارها و الحاق قطعات و ...

^۱ جان گری، زنان، مردان، روابط، ص ۱۴۰

روان شناسان بهترین آزمون کلامی و غیر کلامی را آزمون هوش و کسلر می دانند و در نتیجه این آزمون می خوانیم که: «دختران و پسران از نظر آزمون کلامی تفاوت معنی دار ندارند ولی در آزمون های غیر کلامی تفاوت های چشم گیری نشان می دهند. در استعداد تجسم فضایی، تشخیص جهت و هدف گیری، پسرها بهتر از دختران هستند. از نظر استعداد کلامی دخترها زودتر از پسرها سخن گفتن را می آموزند و بیش تر از پسرهای هم سن خود لغت یاد می گیرند. بهتر می نویسند و بهترین کلمات را بیان می کنند و در گرامر و جمله سازی نیز مهارت دارند. رشد هوشی دختران بیش تر از طریق (زبان آموزی) شروع می شود در صورتی که رشد هوشی پسران از طریق (مهارت های علمی) صورت می گیرد و ...

پسرها در استعدادهای ریاضی به مراتب بهتر از دختران هستند اما در کارهای دستی مخصوصا کارهایی که نیاز به چالاکی انگشتان دارد دخترها بهترند^۱»

اگر چه در این آزمایش تفاوت معناداری در توانایی ها کلامی ذکر نشده است اما ذکر نکته ای ضروری است و آن این است که بنابر نظر روان شناسان، دختران از ابتداء از بدو تکلم در قدرت گویایی جلوتر از پسران هستند.^۲ و از سوی دیگر روان شناسان بر این باور هستند که: «بحث از رشد ذهنی یا شناختی بدون اشاره به رشد و تکامل زبان حتما ناقص خواهد بود، زیرا هیچ پدیده ای به اندازه زبان، کم و کیف رشد ذهنی را روشن نمی کند»^۳

بنابراین می توان گفت که رشد ذهنی دختران با قدرت تکلم آنان در ارتباط است چنان که حضرت امیر (ع) می فرماید: «زبان پاره گوشتی است از پیکر انسان، هرگاه آمادگی در انسان نباشد زبان هم یارای نطق ندارد و به هنگام آمادگی، نطق مهلتش نمی دهد»^۴

استعداد و آمادگی که حضرت به آن اشاره می فرماید همان رشد عقلی و ذهنی است که مقدمه تکلم است و یکی از دلایل تقدم سن بلوغ دختران بر پسران همین بلوغ عقلی آن هاست. توانایی فضایی در سه نوع تجسم فضایی (پیدا کردن شیء پنهان شده در میان اشکال پیچیده) و درک فضایی (تشخیص خط افقی و یا عمود حقیقی از میان اطلاعات گمراه کننده) و چرخش ذهنی (گرداندن شیء در ذهن تا رسیدن به جواب صحیح) مورد آزمون قرار می گیرد.

^۱. حمزه گنجی، تفاوت های فردی، ص ۲۰۸-۲۰۶

^۲. احدی حسن، و جمعی از نویسندگان، روانشناسی رشد، ص ۵

^۳. علی اکبر شعاری نژاد، مبانی روان شناختی تربیت، ص ۲۵

^۴. نهج البلاغه، ح ۲۳۳

در هر سه نوع توانایی فضایی، برتری مردان نسبت به زنان مشهود و قابل بررسی است. اما در نوع سوم چرخش ذهنی، تفاوت دختر و پسر و برتری پسران و مردان نسبت به دختران و زنان چشم گیرتر است. کاربرد این نوع توانایی فضایی در مهندسی است از این رو حضور دختران در رشته های مهندسی نسبت به پسران بسیار ناچیز است. بارها در دانشگاه های صنعتی در شهرهای مختلف ایران به دختران دانشجو برخورد کرده ایم که در رشته های گوناگون مهندسی مشغول به تحصیل بوده اند و از ترم دوم یا سوم عجز خویش را اظهار می کنند. بسیاری از آن ها به تشویق خانواده این رشته ها را انتخاب کرده و برخی برای مبارزه با سخنان قدیمی و به قول خودشان از مد افتاده و پاره ای دیگر ناخواسته به این رشته روی آورده اند، اما اکثرا در یک چیز مشترک هستند و آن اظهار ناتوانی در ادامه تحصیل و ابراز بی علاقه نسبت به رشته مورد تحصیل آن هاست. یکی دیگر از توانایی های شناختی دختر و پسر توانایی درک و دریافت ریاضیات است که یافته های علمی نشان می دهد که توانایی حل مسئله در پسران بهتر از دختران است.

براساس بررسی های مک کویی و ژاکلین (۱۹۷۴) پسران و دختران تا پایان دوران کودکی از نظر توانایی های دریافت ریاضیات همانند یکدیگرند. از آغاز ۱۲ سالگی پسران در مقایسه با دختران نمره های بالاتری از درس ریاضی می گیرند اما تفاوت های معنی دار و پایدار آنها در حدود ۱۵ سالگی آشکار می گردد.^۱

نکته قابل توجه این است که برابر نگران هرکجا با تفاوت های ثابت مواجه می شوند آنها را جزئی انگاشته و با شتاب از آن می گذرند و آنگاه که با تفاوت های جدی و قابل توجه روبرو می شوند مانند تفاوت در چرخش ذهنی، توانایی های ریاضی و تفاوت در رشته های ورزشی و ... سعی در مقصر دانستن فرهنگ و جامعه داشته و با ورود به جاده های فرعی از اصل موضوع تفاوت ها می گریزند. اکنون آیا بهتر نیست به جای نادیده گرفتن تفاوت ها و مبارزه جدی و بی امان با آن ها به نقش سازنده تفاوت ها بنگریم و نه تنها به دیده نقص و کاستی آن ها را ننگریسته و با بی مهری از تفاوت ها سخن نگویم بلکه به عنوان راهی به سوی کمال تفاوت ها را بررسی کنیم؟

^۱ . شکوه نوایی نژاد، روانشناسی زن، ص ۸۹



شرکت نکردن و یا حداقل حضور دختران در رشته های مهندسی مصیبت بزرگی نیست که امروزه مرثیه سرایان برابر نگر تنها برای این مصیبت مرثیه می سرایند آنچه به عنوان فاجعه و درد روانی و اجتماعی مطرح است خروج جامعه انسانی از مسیرهای طبیعی و فطری آن هاست.

تفاوت در نگرشها

پسران در ابتدا بر یک مسئله متمرکز می شوند و بعد دامنه دید خود را وسعت می بخشند ولی دختران هنگام ورود به یک نمایشگاه و یا اتاق و یا موسسه خاصی در ابتدای تصویر کلی از همه اشیاء موجود در آن را در ذهن نگاه می دارند و سپس منطقه ای که بیش از همه نظر آن ها را جلب کند انتخاب کرده و به طرف آن می روند. برای مثال وقتی یک مرد به نمایشگاه می رود از ابتدای ورود به یک نقطه توجه کرده و به سوی آن می رود و سپس به سراغ سوژه دیگری می رود و در پایان یک تصویر کلی از موارد دیده شده در ذهن خویش می سازد. بنابراین در یک جمله سیر توجه مورد خاص در مردان اینگونه است که از اهداف جزئی آغاز شده و در پایان با چیدن موارد دیده شده در کنار هم یک تصویر کلی از آنها در نظر می گیرند ولی زنان در ابتدا تصویر کلی از سوژه و مسایل اطراف آن را پیدا کرده و سپس به سوژه مورد نظر جذب می شوند. هر دو به یک مقصد خواهند رسید ولی راه ها متفاوت است مانند این که برای تعریف «مربع» از زوایا و اضلاع آن کمک گرفته و آن را تعریف کنیم و یا بگوییم مربع شکلی است که دارای این زوایا و اضلاع است. در نهایت مربع تعریف می شود اما از دو راه تحلیل و ترکیب.

مرد می خواهد متمرکز شود از این رو قطع حرف او یا سخن گفتن با او هنگامی که مشغول راندگی یا با مکالمه تلفنی است تمرکز او را از بین می برد و عصبانی شده و اعتراض می کند. در این حالت اگر زن با ویژگی های مردان آشنا باشد و تفاوت ها را شناخته و بپذیرد و به آنها احترام بگذارد از بروز فاجعه هایی که ممکن است رخ دهد پیشگیری می کند.^۱

تفاوت در شیوه های مدیریتی

شیوه کار دختر و پسر با هم متفاوت است. اگرچه ممکن است هر دو به یک هدف در یک زمان مشترک برسند ولی راه کارها و نحوه کار کاملاً متفاوت است.

خانم لمبروزو می گوید: «زن در امور نظری روش های علمی را به کار می برد در صورتی که مرد بالعکس در عمل قواعد علمی را طرف استفاده قرار می دهد. از آن جا که زن دارای انفعالات عمیق و عالم مشاهدات دقیق و تداعی معانی سریع است قهراً متمایل به این می شود که آن چه

^۱ .مریم معین الاسلام، ناهید، طیبی، کتاب روان شناسی زن در نهج البلاغه، ص ۱۱۲

را در این صفات مشتق می‌گردد به کار اندازد و اجباراً از امور غیر انتزاعی به مسایل متوجه شده از عمل به علم برسد. و از جزئیات به کلیات و قواعد کشانیده شود.^۱

با توجه به نوع عملکرد زنان در امور می‌توان به این واقعیت پی برد که آن‌ها برای رسیدن به مقصد حتی در مواردی که عقل نظری راه رسیدن را مشخص میکند از عقل عملی و آگاهی و بینش درونی خویش استمداد می‌جویند و به نتیجه می‌رسند. برای مثال در بسیاری از امور بین مجهولات عقلی بیرون و معلومات عاطفی درون خود ارتباط برقرار کرده و به حل مشکلات می‌پردازند.

الهام‌های درونی آن‌ها روشنگر راه آنان است و یاریگر آن‌ها برای رسیدن به مطلوب. عباراتی مثل «دل‌گواهی بد می‌دهد»، «به دلم افتاده است»، «یک احساس درونی مرا منع یا تشویق می‌کند به انجام دادن یا ندادن فلان کار» معمولاً از طریق زنان بیان می‌شود. این احساس درونی و بینش کلی از عوامل موفقیت دختران در کارها بوده است، در مورد شیوه مدیریتی دختران و پسران پژوهشی صورت گرفته است که نتایج جالبی را به همراه داشت.

اسکلیسون (۱۹۷۶) در پژوهشی متوجه شد که از نظر درصد زمانی که مدیران زن و مرد صرف می‌کنند و یا سرعت حل مسایل گروه تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان آن‌ها نیست ولی در راهبرد و شیوه مدیریت آنها تفاوت‌هایی دیده می‌شود. مدیران مرد وقت بیشتری صرف رفتارهای مدیرمآبانه مانند پند و اندرز دادن می‌کنند و مدیران زن، وقت بیش تری را صرف بالا بردن روحیه همدلی میان اعضای گروه و تشویق آنان می‌کنند.^۲

بنابراین توجه به تفاوت‌های روحی، روانی زنان و مردان به ما کمک خواهد کرد که در تقسیم کارها بین زن و مرد با دید وسیع‌تری بنگریم و از هر یک در زمینه‌ای که مطابق با طبیعت و فطرت آن‌هاست انتظار داشته باشیم و این عقاید انتظارات موجب تنش‌زدایی در محیط خانه و جامعه خواهد شد و در سایه این آرامش است که سلامت روانی فردی و اجتماعی تضمین می‌گردد.^۳

۵- تفاوت در دین باوری

بسیاری از روان‌شناسان به این نکته تأکید دارند که زنان مذهبی‌تر از مردان هستند آنها بیش از مردان در مجالس مذهبی و دینی شرکت کرده و از عهده فعالیت‌های دینی به خوبی بر می‌آیند.

^۱ جان گری، ترجمه، قراچه داغی، مهدی، زنان و مردان، ص ۱۱۱

^۲ شکوه نوایی نژاد، روانشناسی زن، ص ۱۰۵

^۳ مریم معین الاسلام، ناهید، طیبی، روانشناسی زن در نهج البلاغه، ص ۱۱۴

آیند. وجود احساسات سرشار در شاکله طبیعی زنان موجب گرایش خاص آنان نسبت به دین و عرفان و امور ماوراء الطبیعه می شود. آلپورت می گوید: «علاقه دینی و زیبای طلبی اجتماعی در زنان بیش تر است. حال آن که مردان تمایل به امور سیاسی و تئوریک دارند. زنان بیشتر از مردان به مسایل اخلاقی و مذهبی توجه دارند و نسبت به آداب و رسوم اجتماعی تلقین پذیر هستند ولی مردان بیش تر اهل سیاست هستند»^۱.

حضور گسترده زنان مسلمان در مجالس عزاداری اهل بیت (ع) و نیز برپایی جشن ها و اعیاد مذهبی توسط آنان، گریه برای مصائب اهل بیت و ابراز عشق و ارادت به آن هایی که دوستشان دارند از نمونه های بارز این ویژگی زنانه است.

به هر حال هرکجا بحث از عرفان و معنویت است اشاره به جایگاه زنان شده و نقش سازنده و مؤثر آن ها مورد بررسی قرار گرفته است.

پاسکال می گوید: «به وجود خدا، دل گواهی می دهد نه عقل، دل دلایلی دارد که عقل به کلی از آن بی خبر است»^۲ و راه دل برای زنان بیش از مردان گشوده است زیرا آنان برای درک واقعیت ها از بینش درونی، چشم دل، استفاده کرده و به علت غلبه عواطف و احساسات مادرانه در این عرصه حضور قوی تر دارند.

پاره ای از روان شناسان طرح های قابل توجهی برای درمان معنوی، روانی ارائه داده اند تا به این وسیله با احساس مذهبی زنان، آنان را از مشکلات ویژه دوره میان سالی نجات دهند. خانم جوان بوریس آنکو که طراح مدیتیشن (خودنگری) است در این باره می گوید: «در مملکت

آمریکا این نهضت (نهضت درمانی روانی - معنوی) شدیداً مورد توجه واقع شده است به ویژه در دو گروه: آنان که در رأس دوره بلوغ واقع شده اند و زنان میانسال استقبال خوبی دیده شد. اصول اولیه درمان معنوی - روانی بر محور ارتباطات است خصوصاً پدیده خود انطباقی با دیگران و جهان هستی»^۳.

در واقع این روان شناس با ایجاد رابطه بین افراد و درونشان آن ها را به شناخت درونی خود نزدیک تر می کند. او تمرین های ۶ مرحله ای را برای رسیدن به مقصود خویش مطرح کرده و معتقد است که: «از آن جا که زن ها به طور طبیعی از موهبت هم احساسی و بینش درونی برخوردار هستند جریانات درمانی باعث رشد گسترده تر این خصوصیات می شود.»

^۱. محمود، بهزاد، تئوری تکامل روانشناسی، ص ۱۳۲

^۲. مولر، فرناند، ترجمه علی محمد، کاردان، ویراسته اسماعیل، سعادت، تاریخ روان شناسی، ج ۱، ص ۲۳۶

^۳. جوان بوریسکو، ترجمه (شیخ جوادی) منیژه، بهزاد، جلوه های زندگی یک زن، ص ۱۸۱



در متون دین مبین اسلام بودن تمرین های مربوط به دوره خاص مثل بلوغ یا میان سالی راه رسیدن به آرامش بیان شده است آن جا که در قرآن کریم می خوانیم:
 ((أَلَا بَدْرُ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ.)) (دل ها با یاد خدا آرام می گیرد).
 و حضرت امیر المؤمنین (ع) نیز در این مورد می فرماید: لَا يُؤْنِسُكَ إِلَّا الْحَقُّ^۱. آرامش خود را تنها در حق جستجو کن.»

معنویت و دعا در زندگی انسان نقش مهمی دارد و ما پیش از این گفتیم که زنان از نظر گرایش به مذهب وسایل معنوی قوی تر از مردان هستند. زیرا عواطف و احساسات آن ها بیش از مردان است. در واقع زنان مسایل روحی و معنوی را با روان خود سازگارتر می بینند و بر اساس تحقیقات، مردان بیش تر از زنان به امور مادی و اقتصادی وسایل دنیوی گرایش دارند.^۲
 مفسر و حکیم معاصر آیت الله جوادی آملی می نویسد: «زن ها در بخش دل و قلب و گرایش و جذبیه موفق تر از مردان هستند لذا مناجات در زن ها بیش از مردان و یا لااقل همتای آن ها اثر می کند... این که زن زودتر گریه می کند به خاطر آن است که دستگاه پذیرش او عاطفی تر است. مهمترین راه، راه ذکر است که انعطاف پذیری مقدمه آن است.»^۳
 نتیجه

اسلام در رابطه با تربیت فرزندان قائل به تفاوت هایی میان تربیت دختران و پسران است که به معنی برتری قائل شدن یکی بر دیگری نمی باشد، بلکه اسلام به تفاوت های موجود از لحاظ جسم و روح توجه داشته و مسئولیت ها و نقش های آنها در آینده را مد نظر قرار داده است،

^۱. نهج البلاغه، خطبه ۳/۱۳۰

^۲. گینت بلانکار، ترجمه محمدرضا، آل یاسین، سیری به سوی کمال فردی، ص ۱۱۴-۱۱۵

^۳. عبدالله جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، ص ۱۹۳

منابع

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه
۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۶ هـ ق.
۴. امینی، ابراهیم. آیین تربیت، چاپ سوم، قم: اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. آرتور کلیفتن گایتون، فیزیولوژی بدن انسان، خواجه نصیر، ۱۳۷۳ ش.
۶. جان، گری، ترجمه، قراچه داغی، مهدی، زنان و مردان، تهران، ذهن آویز، اردیبهشت ۱۳۸۰ ش.
۷. جو آن، بوریسنکو، ترجمه (شیخ جوادی) بهزاد، منیژه، جلوه های زندگی یک زن، تهران، انتشارات، توتیا، ۱۳۸۱ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، قم، دار الهدی، ۱۳۷۸ ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، مبادی اخلاق در قرآن، قم، اسراء، چ دوم، ۱۳۷۸ ش.
۱۰. حبیبی، فتح الله، مشکلات تعلیم و تربیت، چاپ پخش، ۱۳۶۴ ش.
۱۱. حجتی، سید محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ چهارم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸ ش.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: موسسه اهل بیت لاحیاء التراث، چ اول ۱۴۱۳ هـ ق.
۱۳. داوود، حسینی، روابط سالم در خانواده، تهران، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. داوودی، محمد، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) (تربیت دینی)؛ قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: انصاریان، ۱۴۲۶ هـ ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۷. قائمی، علی، خانواده و مسائل مدرسه ای کودکان؛ تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸ ش.
۱۸. قائمی امیری، علی؛ حدود آزادی در تربیت، انجمن اولیا و مربیان، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

۱۹. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی علوم تربیتی، پژوهشکده‌ی حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
۲۰. کارل، الکسیس، ترجمه شکیباپور، عنایت الله، انسان موجود ناشناخته، ناشر: بهترین کتاب‌های من، اسفند ۱۳۹۱ ش.
۲۱. لمبرزو، جینا، شهریس پری، روان‌شناسی زن، انتشارات دانش، ۱۳۸۲ ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.